



جای خالی پدر

حسین قدیانی

دیروز از خانه‌مان در منطقه ۱۷ تهران دانشتم می‌رفتم دفتر «وطن امروز» که در همان بزرگراه شهید سعیدی چشمم به پلاکاردی خورد که خبر از تشییع شهید مدافع حرم سیدمصطفی موسوی می‌داد با فقط ۲۰ سال سن. دقایقی بعد در جلوی مسجد پرخطر ابوتر، چشمم به جمال ۲ شهید مدافع حرم دیگر روشن شد؛ شهیدان مسعود عسگری و احمد اعطایی که روز یکشنبه در قطعه ۲۶ بهشت زهرا سپرده شدند به افلاک. رفته بودم مراسم را. مادر یکی از این ۲ شهید، ابتدا خودش درون قبر خوابید و آن هنگام که بیرون آمد، رو به آسمان، فریاد زد: «یا زینب! این قربانی را از من قبول کن.» القصه تا به سر کار برسم، باز هم قصه‌ها بود. در خیابان خوش جنوبی، همه جا پر بود از تصویر شهید مدافع حرم دیگری. جوان دیگری. ۲۰ساله دیگری. جنوب شهری دیگری. بسیجی دیگری. بچه‌هایی دیگری. شهید محمدضا دهنقان. آنجا بود که با خود فکر کردم چه آکسیری دارد این جنوب شهر که این همه شهیدپرور است؟ و به یاد آوردم شهیدان مدافع حرم علی یزدانی و محمد حمیدی هم مال منطقه ۱۷ تهران بودند. واقعا چه آکسیری دارد خاک جنوب شهر، خاک این مساجد کوچک و خاکی، که این همه شهیدپرور است؟



امین کریمی، حاج‌محمدحسین مرادی، عبدالله باقری و دیگر شهدای مدافع حرم را هم که نگاه می‌کنی، باز بچه همین جنوب شهر بودند و همین پایگاه‌های بسیج و همین خبیان‌های نه‌چندان عریض و طویل و همین کوجه‌های تنگ و همین خانه‌های قدیمی که هنوز زور مدرنیته، نه به تاقچه آن خانه‌ها رسیده، نه به باغچه جمع و جورشان. برای پرورش چند تا نسنرتن دلریا، یک باغچه دو در یک، در یک حیاط باصفای پایین‌شهری کفایت می‌کنند؛ خیلی هم لازم نیست دودستی بچسبی به دنیا! وقتی گلوله لعین داعشی، گلولی بچه‌هایی‌ترین جوانان این دیار را در دیده، خیلی هم لازم نیست توی ساکت در فتنه ۸۸ علیه ایشان نطق کنی و متلک بیندازی که امام حسین بچه‌هایی‌ات لات نمی‌خواهد! قحنا که چه مظلوم است حزبالله. هر نبیسی را که بگویی نوش جان کرده و هر طعن‌های را که بگویی نیز.

و ما هم راستش یک جمله یاد گرفته‌ایم و مدام می‌گوییم، می‌نویسیم، کامنت می‌گذاریم و نشر می‌دهیم که امنیت این روزهای ایران از صدفه سر سردار قاسم سلیمانی و نیروهایش در سیاه‌هوا قحنا که چه مظلوم است حزبالله. جمله، احساس تسلای وجدان می‌کنیم. کانه با شهدای حرم بر بر یر شده، وظیفه‌مان را در قبال خون ایشان به تمام و کمال انجام داده‌ایم! صلابته بر منکرش لعنت! ثابته ثابته امن و اسمان این روزهای ما مدیون قطره قطره خون شهدای حرم است؛ چه می‌گوییم که بابت هر نفس، باید شاکر خون مطهر «شهدای شام» باشیم اما مساله اینجاست که شاکر هم باشیم، باز برای دختر ۳ ساله شهید مدافع حرم، پدر نمی‌شود! برای از اینجا به بعد یادداشت، جا دارد معذرتی از شما مخاطبان آشنا کنم با ذکر این مهم که تاکنون اغلب نوشته‌هایم درباره شهدای این‌الله‌الله در درجه‌ای آسمان بوده و عالم بالا. اما آئی باید نشست در همین زمین سرد و از تلخی‌های روزگار نوشت. پس فردا دختر همین شهید مدافع حرم، سوار سروسیس مدرسه شود، برمی‌داریم طعنه می‌زنیم! و اگر برود دانشگاه «طعنه سهمیه» می‌زنیم! و اگر چند ماه بعد، پسر ۹ ساله همین شهید مدافع حرم را با یک توپ چهل‌تکه ببینیم، برمی‌داریم می‌گوییم از «بنیاد شهید» گرفته! آری! غصه‌ها دارد این دل تنگم. والله عرووسک کوکی را پدر، قبل از شهادتش در راه دفاع از حریم حرم، خودش برای دختر خردسال خود خریده بود! این یعنی نمی‌خواهید بس کنید؟! نمی‌خواهید تمام کنید این همه زخم زبان را؟! جمله قصار «هنیت این روزهای ما بدهکار خون شهدای مدافع حرم است» می‌خواهم ببینم آیا دو فردای دیگر و در روز عقد دختر شهید مدافع حرم، جای خالی پدر را برای او بر می‌کنند؟! و از سوویی همسران این شهید... که ازدواج کنند، یک حرف است، ازدواج نکنند یک حرف دیگر!

فرانسوا اولاند در کنگره فرانسه خواستار تغییرات در قانون اساسی، اختیارات گسترده برای ارجاع و سلب تابعیت شهروندان و استقرار یک رژیم پارلمانی شد.



پایان جمهوری

خود به نمایش گذاشته تا یک رئیس‌جمهور همانند اسلافش چون دوگل، ژسکار دستن، میتران یا شراک، عملا با حرف‌هایش در کنگره تغییر رویه اپوزیسیون جمهوریخواه فرانسه را در آورده و تذکر داده فرانسه در شرایط جنگی نیست.

سخنرانی تغییر دوران

فرانسوا اولاند شامگاه دوشنبه به فاصله ۳ روز از وقایع خونین ۱۳ نوامبر پاریس، همه نمایندگان و سناتورهای فرانسوی موافق و مخالف خود را در ساختمان کنگره جمع کرد تا نخستین واکنش رسمی جمهوری به هدف قتل قرار گرفتن فرانسه توسط تروریست‌ها را ابراز کند و نتیجه این شد که او ضمن اعلان شرایط جنگی در کشور، بسیاری از معیارهای جمهوری را که دموکراسی در دوران مدرن نه‌تنها در این کشور بلکه در سراسر ممالک غربی بر آنها استوار بوده است زیر سوال برد. مرد اول کاخ الیزه که البته طی ۳ سال گذشته از دوران ریاستش بر جمهوری فرانسه بیشتر تصویر یک دست و پا چلفتی متمایل به دیکتاتوری را از

است که آقای رئیس‌جمهور در حال تلاش برای احیای دیکتاتوری و به محاق بردن جمهوری است، موضوعی که حتی صدای نیکولا سارکوزی، رهبر اپوزیسیون جمهوریخواه فرانسه را در آورده و تذکر داده فرانسه در شرایط جنگی نیست.

«حکومت اضطراری دائمی» در آمریکا براساس منشور میهن‌پرستی شد و سیلی از جنگ‌ها و لشکرکشی‌های واشنگتن و متحدانش را از آن زمان باعث شده است. حال براساس رویکرد دولت علیه جمهوری اولاند و هم‌قطاران‌ش، نخبگان اروپایی هم از هم‌قطاران خود در آن سوی اقیانوس اطلس پیروی می‌کنند و برای حفظ قدرت حاضرند اعمال زور کرده و از مخالفان‌شان با سرنیزه استقبال کنند. این رویکرد تنها توجیه‌کننده تمایل خودنگارخته نخبگان برای دفاع از منافع خود در قالب حکومت است و نه برای دفاع از شهروندان. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت اولاند قصد دارد به بهانه وقایع ۱۳ نوامبر پاریس، سانسور مخالفانش را قانونی کند و حکومتی شبیه آنچه اردوغان در ترکیه برپا ساخته و رئیس‌جمهور فرانسه می‌تواند برای تمدید ۳ ماهه وضعیت فوق‌العاده در کشور در بی حملات تروریستی اخیر و دیگر قوانین امنیتی مختص دوران جنگ آشکار

گروه بین‌الملل: مواضع بی‌سابقه رئیس‌جمهور فرانسه در کنگره این کشور می‌تواند به معنای تغییر دوران در این کشور محصور اتحادیه اروپا باشد، مساله‌ای که پیش از این نیز هر دو دولت اخیر این کشور، چه سارکوزی جمهوری خواه و چه اولاند سوسیالیست به‌واسطه شده بودند. برخی روشنفکران چپ فرانسه طی سال‌های اخیر بویژه رویکرد دولت اولاند را علیه متن جمهوریت فرانسه به جا مانده از انقلاب کبیر قرن هجدهم دانسته‌اند. آنها فرانسوا اولاند و رهبری حزب حاکم سوسیالیست فرانسه را که در ارتباط ایندولوژیک تنگ‌انگ با نهادهای قدرت سایه صهیونیسم در این کشور نظیر «بنیاد ژان ژورس» هستند، متهم ساخته‌اند در حال فروریختن بنیان‌های دموکراسی فرانسوی به نفع منافع رژیم حاکم هستند. این اقدامات شبیه کودتای دولت سایه در ایالات متحده به بهانه واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قلمداد شده که موجب برقراری

نگاه

امیر استگی: استراتژیست‌های امنیتی غربی شاید تا چند روز پیش می‌توانستند مدعی باشند یک خطر درجه اول برای امنیت‌شان را به یک خطر درجه دوم و حتی درجه سوم تبدیل کرده‌اند. برای آنها این جای بسی خوشحالی داشت که رهبری جریان‌های تندرو از شبکه القاعده -که سرافصل اهداف مبارزه با مصادیق کفر در جهان بود- به گروه داعشی منتقل شود که اصلی‌ترین هدفش به‌زعم خود احیای خلافت اسلامی با الگو قرار دادن دوران خلفای صدر اسلام است و قاعدتا این رسالت جدید سرزمین‌های هدف آنان را از بلاد کفرستان غربی به بلاد اسلامی تغییر می‌داد. این پیروزی یعنی زدودن خطر تهدیدات تروریستی درجه یک برای آنها و تبدیل آن به فقط زحمت صدور اطلاعیه‌های تسلیت و همدردی (!) در پی تکه و پاره شدن مردمان مسلمان درجه ۲ به پایین. سردمداران آزادی در اروپا که راسخ‌ترین‌شان فرانسه باشد آن روزی که سوریه کم‌کم به کام جنگ داخلی فرومی‌رفت ابتدا تصور نمی‌کردند به دست خود و با همکاری دوستان سعودی و ترک خود بستری را فراهم می‌کنند که خود پذیرای پیام‌های تسلیت سوزناک دیگران باشند. در اینکه داعش چیست و چگونه به وجود آمد و چگونه تقویت شد و از کجا تامین مالی و می‌شود، سخن بسیار گفته‌اند و ما قصد پرداختن به آن را در این مختصر نداریم. ما بیشتر به دنبال بررسی بعضی جوانشی این مساله در کشور خودمان هستیم. شبکه‌های مجازی این روزها پر شده است

«وطن امروز» از اهمیت راهبردی شرط رهبر انقلاب درباره مخومه شدن پیام‌دی گزارش می‌دهد

قسم به پلوتونیوم

صفحه ۲

پول حمل و نقل عمومی در جیب خودروسازان

صفحه ۴

تروریستی بودن سقوط سینا اعلام شد

تأیید انفجار در ایرباس روسی

تأکید پوتین بر تشدید حملات هوایی در سوریه

صفحه ۱۵

فرمانده کل سپاه پاسداران:

امنیت سوریه اثر مستقیم در امنیت ایران دارد

صفحه ۲

نفت اوپک ۳۸ دلار شد

صفحه ۳

ناکار آمدی ملاحظات جناحی در حل یک بحران امنیتی آيا زمان خانه‌تکانی در سازمان محیط زیست فرانسه رسیده؟

سعید ملکی

اگر به خاطرات نخبگان جوامع جهان سووم در یک سده پیش رجوع کنیم، احتمالا عمده مخاطرات و دغدغه‌هایی که انسان پیش روی جامعه خویش می‌دیدند، عبارت بود از بحران نوسازی، دغدغه‌های هویتی و در نهایت مبارزه با استبداد و استعمار. به نظر می‌رسد هرچه زمان به پیش می‌آید، بحران‌های جدیدی پیش روی ما پدیدار می‌شود؛ خواه بحران‌های قبلی حل شده یا اینکه همچنان پابرجا مانده باشند. یکی از بحران‌هایی که طی یکی - دو قرن اخیر زندگی بشر امروز را با چالش مواجه کرده، «بحران محیط زیست» است. به همین دلیل است که آنچه تحت عنوان «جامعه مدنی جهانی» نامیده می‌شود، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های خود را حول «زیست‌محیط‌گرایی» شکل داده است، زیرا برای همگان واضح و مبرهن است بحران امنیتی که جهان امروز و نسل آینده را تهدید می‌کند و می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری به محیط زندگی انسان وارد کند، مساله محیط زیست است. آلودگی هوای شهرهای بزرگ، کمبود آب سالم، خشک شدن آب رودخانه‌ها، آلودگی دریاهای و دریاچه‌ها و در برخی موارد بالا آمدن سطح آب دریا و اقیانوس، نابودی تدریجی جنگل‌ها و مراتع، آلودگی تدریجی جو زمین و سوراخ شدن لایه ازن تنها برخی از مهم‌ترین مواردی است که انسان امروزی را دچار ترس و وحشت کرده است. متأسفانه بخش زیادی از آلودگی‌هایی که زندگی اجتماعات را به خطر می‌اندازد در کشورهای جنوب رقم می‌خورد. دلیل این مساله نیز تمایل رهبران این کشورها به توسعه بدون در نظر داشتن معیارها و استانداردهای آن است. در جنوب گسترش شهرها، احداث سد‌ها و قطع درختان به قصد تهیه الوار بدون توجه به آینده مردم منطقه صورت می‌گیرد. همین دغدغه‌های زیست‌محیطی است که باعث ورود مفهوم «زیست‌محیط‌گرایی» به ادبیات سیاسی - اجتماعی ما شده است. مفهومی که پیش‌تر در جهان غرب متداول بود. «این مفهوم اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ وارد فرهنگ سیاسی غرب شد و دلالت بر موضع یا طرز برخورد سیاسی‌ای دارد که کیفیت زندگی را بیشتر از رشد اقتصادی مدنظر می‌گیرد.»